

مقاله پژوهشی

پدیدارشناسی مفهوم محله با تأکید بر محلات شهر شیراز در دوران قاجار

مریم اسماعیل دخت^۱، محمدرضا اسماعیل دخت^{۲*}

۱. دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

چکیده | در گذر از جامعه شهری سنتی در ایران به اجتماع معاصر، انتقالی معرفتی از مفهوم منظر شهری و ادراک شهروندان از شهر روی داده است. اساس مدیریت شهری شهرهای سنتی و مداخله در آن اجتماع محور و مبتنی بر نظامی اجتماعی بود که پیرو انتقال صورت گرفته جای آن را متخصصین و مدیران مبتنی بر قدرت/دانش در شهرهای معاصر گرفتند. محله به عنوان یکی از مهمترین ارکان شهر سنتی و اساس شکل گیری شهر تحت کل های کوچک، بستر مداخلات اجتماعی و حس تعلق به مکان را برای ساکنین ایجاد کرده و در واقع وطن هر فرد محسوب می شد. با توسعه های معاصر و تغییرات بنیادین در نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، و گذار به جامعه مدرن، مفاهیم نوینی نظیر منطقه و ناحیه با تقسیمات تخصص محور به منظور مداخله در شهر جایگزین مفهوم محله شد و بر ساخت اجتماعی شهر تحت مفهومی برخوردار از زمینه با مشارکت مردمی جای خود را به بر ساخت سیاسی فضاهای شهری تحت نفوذ حکومت مرکزی داد. در حال حاضر پژوهشگران و مدیران در نظر و عمل به دنبال احیای مفاهیمی همچون محله هستند. هدف از این پژوهش بررسی منظر محلات شیراز در دوران گذار از شهر سنتی به شهر معاصر است. پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا شکل گیری فضاهای شهری در دوران قاجار مبتنی بر نظام محله ای، منجر به مرز بندی اجتماعی تحت عنوان محله بود؟ آیا تقسیمات محله در ادراک ساکنین و باز تولید فضا مؤثر بود؟ به منظور پاسخگویی به سؤال پژوهش با روش پژوهش اسنادی، نقطه عطف انتقال از شیراز سنتی به معاصر بررسی شده و با رویکردی پدیدارشناسانه، نمود ادراک شهروندان از شهر سنتی شیراز بر مبنای آثار به جای مانده از قبیل اسناد و اشعار، مورد بررسی قرار می گیرد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که منظر شهر سنتی و تجارب زیسته ساکنین تا اواخر دوران قاجار متفاوت از شیراز امروزی است که در پژوهش ها و اقدامات تخصصی، صرفاً به جنبه کالبدی بافت تاریخی شیراز توجه شده و تنها آثار تجسمی به جای مانده از مقیاس کلان شهری تا مقیاس خرد هنرهای مستظرفه بدون توجه به تجارب زیسته ساکنین قدیم بررسی می شود. احیای مفاهیمی مردمی نظیر محله و حراست از بافت تاریخی در درجه اول مستلزم نگاهی پدیدارشناسانه به کالبد و معناست که پژوهشگر در فضایی مشابه مخاطب حلول کند و به طور عمیق با پدیده های شهر سنتی نظیر محله مواجه شود.

واژگان کلیدی | منظر شهر سنتی، منظر شهر معاصر، محله، شیراز.

متفاوت، اندک بود. در آن دوره ها حیات شهری برخاسته از سنت های جامعه بود. «ایمانی جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۲» و به واسطه کل های کوچکی تحت عنوان «محلات اجتماعی» فضاهای شهری باز تولید می شد. محله به عنوان

مقدمه | «شهر نشینی در دوره های پیش از اسلام و در دوره اسلامی، خصلتی درون زا داشت و تأثیر پذیری آن از جوامع بیرونی با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی

* نویسنده مسئول: r.esmaeildokht@gmail.com، ۰۹۱۲۲۵۹۷۵۵۰

داشت. بسیاری از این لوتی‌ها در بازار به‌صورت کسبه خرده‌پا فعالیت داشتند. آنان همچنین خدماتی نظیر نگهبانی شب، محافظت از حصارهای شهر و سازمان‌دهی مراسم محرم را عهده‌دار بودند. نشانه این لوتی‌ها دستمال یزدی و زنجیر کاشانی بود و به فرقه‌های اهل تصوف اعم از حیدری تا نعمتی پیوسته بودند» (آبراهامیان، ۱۳۹۶، ۶۴). فرق کلانتر هم با بقیه مناصب از جمله رئیس این بود که کلانترها با نظر مثبت مردم انتخاب می‌شدند. سر جان ملکم در این رابطه نوشته است: «کلانتر و کدخدای محلات در هر شهری باید از اهل همان بلد باشند، بلکه به حکم لزوم، باید از معتبرترین و محترم‌ترین همان شهر باشند. اگرچه علی‌الرسم، مردم در اختیار کلانتر و کدخدا اتفاق نمی‌کنند، لکن رضای ایشان در تعیین این دو دخیل است، چنانچه اگر پادشاه کلانتری تعیین کند که او را مردم نخواهند، نمی‌تواند از عهده خدمات این شغل برآید، زیرا که آن وقع و عزم شخصی در نظر مردم را که لازمه این کار است ندارد» و «یک طبقه یا گروه اصلی سازمان اجتماعی قدرت و سلطه سیاسی را به دست نمی‌آورد مگر اینکه قبل از آن هژمونی فرهنگی را به دست آورده باشد» (فاضلی و سلیمانی قره‌گل، ۱۳۹۱، ۱۱).

در دوران رضاشاه، حکومت مقتدر مرکزی بر خلاف حاکمیت ملوک‌الطوایفی دوره‌های قبل، پیروی تحولات زیربنایی، نظیر تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و جمعیتی که از دوره قاجار آغاز شده بود، اقدام به ایجاد تغییرات بنیادین در حوزه‌های روبنایی نظیر شهر و نوسازی شهری کرد. تمایل به اداره حکومت به‌صورت مرکزی به‌منظور تثبیت قدرت، بر پایه ارتش قدرتمند و بوروکراسی و تأسیس و قدرت‌گرفتن نهادهایی نظیر بلدیه در حوزه مدیریت شهری منجر به اقدامات حکومت‌محور در شهرها و قدرت‌گرفتن بلدیه البته نه با رویکردی اجتماع‌محور بلکه با رویکردی اقتدارگرایانه در سطح ملی شد. استمرار تغییرات بنیادین در نظام شهری رفته‌رفته خودگردانی اجتماعی و محلی در زمینه اقدامات در شهر را کم‌رنگ و سپس از میان برد، به‌گونه‌ای که پژوهشگران در حال حاضر به‌دنبال احیاء

پهنه‌ای شهری با هسته‌ای اجتماعی به‌مثابه کلی کوچک، وطن هر فرد محسوب می‌شد که در طول زمان به‌صورت قلمروهای اجتماعی وابسته به گروه‌های هویتی با منافع اجتماعی مشترک، بافت شهرهای سنتی را شکل می‌داد. با توجه به تحقیقات صورت‌گرفته در دوران قبل و بعد از اسلام تا اواخر قاجار، محله به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در سازمان فضایی شهر وجود داشته و «عوامل اجتماعی-اقتصادی به‌ویژه طبقات اجتماعی، تعیین‌کننده مرزبندی محله‌های مسکونی بوده است» (اشرف، ۱۳۵۳؛ سلطان‌زاده، ۱۳۶۷). «محله‌های شهری در سده نوزدهم ایران عملاً جماعت‌هایی در دل اجتماعات دیگر بودند» (آبراهامیان، ۱۳۹۶، ۶۷) «در امور مربوط به محلات و شهر، هر محله توسط فردی به نام کدخدا اداره می‌شد و داروغه و محتسب رابط میان حاکم و کدخدا در امور اداره هر محله بودند.» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸) کدخدا از معتمدین محله و منتصب عرفی محلیان بود؛ به‌عنوان نماینده مردم محله با کلانتر شهر در ارتباط بود که کلانتر عامل ارتباط مردمی با حاکم شهر به‌عنوان نماینده حکومت مرکزی و والی ولایت بود (تصویر ۱).

«نقش کدخدا در محلات همانند کدخدایان روستاها و رؤسای ایلات بود. او نماینده محله در ارتباطات با دنیای خارج -به‌ویژه محلات هم‌جوار و دولت- محسوب می‌شد... نظارت و سرپرستی قهوه‌خانه‌های محل، حمام و اصناف را نیز به عهده داشت. هر یک از این اصناف کدخداها، ریش‌سفیدان، محاکم حل اختلاف، بازارچه‌ها و در مواردی گورستان‌های خاص خود را داشتند. افزون بر این کدخدایان محله در گردهمایی‌های هفتگی (هیئت‌ها) نیز شرکت می‌کردند که کارشان نه‌تنها ترتیب‌دادن مجالس دعا و عزا و عروسی و استقبال از زائران بود، بلکه گردآوری پول برای نیازمندان، تعمیر مساجد محلی، مدارس و تکایا را نیز برعهده داشتند» (Thasis 1972, 349-366) «کدخدای محله علاوه بر این، زورخانه‌های محلی را که اغلب محل رفت‌وآمد کشتی‌گیران و بدنسازان موسوم به لوتی‌ها بود، تحت نظر



تصویر ۱. ارتباط مردم و حکومت در مدیریت شهرهای سنتی وابسته به محله و کدخدای محله بود. مأخذ: اسماعیل دخت، منصور و شیبانی، ۱۴۰۰.

خاطر نشان می‌شود در دوران قاجار «در زمینه مسائل حقوقی، خود جامعه بدون دخالت دولت مرکزی، امور را تمشیت می‌کرد» (مستوفی، ۱۳۸۸، ج. ۱، ۹۹-۱۰۰). عرف هم به معنای مجموعه قواعد عرفی بود و هم به معنای قوانین حکومتی. «در حرف، تنها شاه و نمایندگان مستقیم وی- شاهزادگان حاکم و دارای نشان شاهی- اختیار سلب حق حیات را داشتند؛ اما در عمل اکثر تصمیم‌گیری‌های قضایی و حتی احکام مربوط به حیات یا مرگ در اختیار مقامات محلی بود» (آبراهامیان، ۱۳۹۶، ۳۵). «براساس مشاهدات سر جان ملکم دیپلمات انگلیسی، قاجارها مادام که به لحاظ نظری اقتدار حق حیات و مرگ را در اختیار داشتند، آماده واگذاری اکثر موضوعات حقوقی به قضات مذهبی، رؤسای قبایل، کدخداها و بزرگان اصناف بودند» (Molcolm, 1829, 438-454). به نقل از آبراهامیان، ۱۳۹۶، ۳۶) از همین رو هرگونه مایحتاج مادی و معنوی مردم در قلمرویی اجتماعی و به واسطه هویتی مشترک تأمین می‌شد. به عنوان مثال در تأمین آب مورد نیاز ساکنین شهر، اساس تقسیم آب بر پایه نظام محله بود. چنانچه در دوران قاجار دو آب جاری در شیراز به خیرات قدیم و جدید که از شمال شیراز سرچشمه می‌گیرد، که «خیرات قدیم مربوط به سال ۱۰۵۸ ه. ق. و منسوب به میرزا معین‌الدین محمد شیراز که وقف بر محلات شیراز نموده و خیرات جدید که نام اصلی آن لیمک است که سال‌ها خراب بوده و در سال ۱۲۹۳ ه. ق.، میرزا محمدعلی خان قوام‌الملک آن را تعمیر نموده و نیم آن را وقف بر محلات شیراز می‌نماید» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸، ۸۷۱). تأمین آب به عنوان بخشی از نیاز زندگی روزمره وابسته به قوانین طبیعی و عرفی، در رابطه‌ای دوسویه فضاهای شهری در مقیاس خرد و میانی را تولید می‌کرد، به عنوان مثال آب از قنات خیرات به شهر انتقال پیدا کرده و در محلات مختلف زیر نظر میراب و کدخدای محله تقسیم می‌شد و هر محله‌ای مسئول تأمین آب ساکنین خود بود. در مقیاس خرد تأمین آب وابسته به چاه‌هایی بود که در محله توسط خیرین و افراد سرشناس محله وقف می‌شد و مردم محلی به منظور تأمین آب مصرفی به چاه‌ها مراجعه می‌کردند و تعاملات اجتماعی در فضاهای انضمامی به واسطه نیازهای زندگی روزمره شکل می‌گرفت و ساکنین در مقیاس خرد شهر را به واسطه همین کنش‌ها خوانش می‌کردند؛ مانند گذر چاه میرزا فتح‌الله (تصویر ۲)¹.

می‌توان عنوان کرد که شاهان قاجار به دلیل فقدان یک دیوان‌سالاری متمرکز، عمدتاً بر اعیان و متنفذان محلی- رؤسای ایلات و عشایر، بزرگان روحانی، تجار عمده و

چنین مفاهیمی هستند. حال سؤالی که این پژوهش در پی پاسخ به آن است این است که: چگونه خودگردانی اجتماعی نظام محلی، شیراز سنتی تا زمان قاجار را شکل می‌داد؟ و فضاهای شهری در نظام محله‌ای دوره قاجار چگونه شکل می‌گرفتند؟

فرضیه

منظر شهر سنتی شیراز تا اواخر دوران قاجار، حاصل تعامل انسان با محیط و طبیعت پیرامون در قالب محلات اجتماعی بود و عامل جهت‌دهنده به بازتولید فضاهای شهری، شهروندان بودند. در نتیجه این تعامل ادراک شهروندان از شهر به واسطه بستر طبیعی و مداخله در محیط براساس نیاز اجتماعی و گروهی ساکنین در نظام محلی صورت می‌گرفت. با تغییر ساختار خودگردانی اجتماعی-محلی به ساختار حکومتی و تقسیمات دوتبعیدی ناحیه و منطقه، رفته‌رفته تقسیمات محلی مبتنی بر نظام محله و تولید اجتماعی فضاهای شهری جای خود را به اقدامات تخصص‌محور و سیاسی در نظام شهری داد.

روش بررسی محلات شیراز در پژوهش

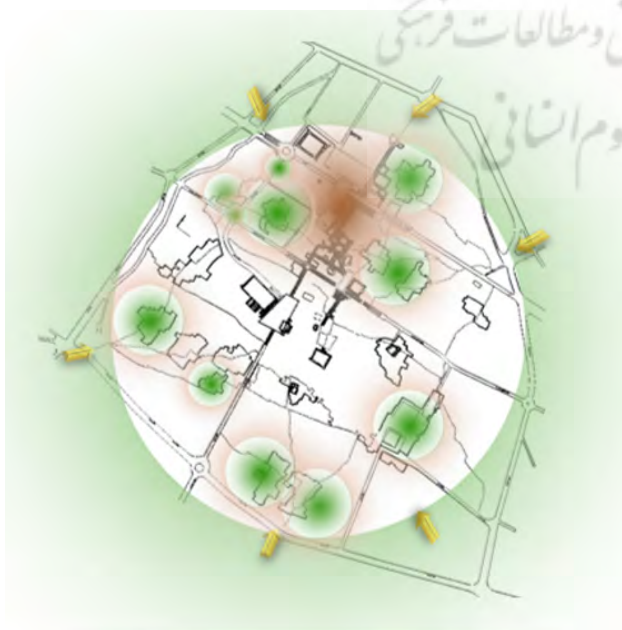
در رویکرد پدیدارشناسانه هستی‌مقدم بر اندیشه است و محقق در صدد شناخت پس‌زمینه‌های هویتی، زبانی و سازه‌ای است که نشانه‌ها و نمادهای مختلف را به پس‌زمینه‌های فرهنگی ارتباط می‌دهد و کنش‌های انسانی را حامل معنا می‌داند که در طول تاریخ، زیست‌جهان‌هایی را برای گروه‌های فرهنگی به وجود می‌آورد و به صورت تاریخی و ناخودآگاه در پس‌زمینه رویدادهای زندگی در جریان است. در این رویکرد شهر به مثابه یک پدیده فرهنگی در متن بازنمایی می‌شود و به راحتی نمی‌توان با تفسیر صرف و توصیف متن، پدیده شهر را در اسناد خوانش کرد؛ بلکه باید در متون حلول کرد و بسته به اندیشه و پدیدارهای فرهنگی در جهان زیست ساکنین، تجربه و درک آنان از شهر را در خلال بازنمایی فضاهای شهری تفسیر نمود. در این رویکرد شهر یک پدیده مکانیکی نیست بلکه پدیده‌ای فرهنگی است که به صورت اجتماعی بر ساخت می‌شود و ساکنین به عنوان کنشگران فعال و خلاق شهر را تجربه و ادراک می‌کنند و با استفاده از شیوه‌های اندیشیدن و زیستن ساکنین، می‌توان الگوهای ادراکی آنان را بازنمایی نمود که مبتنی بر بازاندیشی و تفسیر روانکاوانه و فرهنگی متون است.

خودگردانی اجتماعی محله

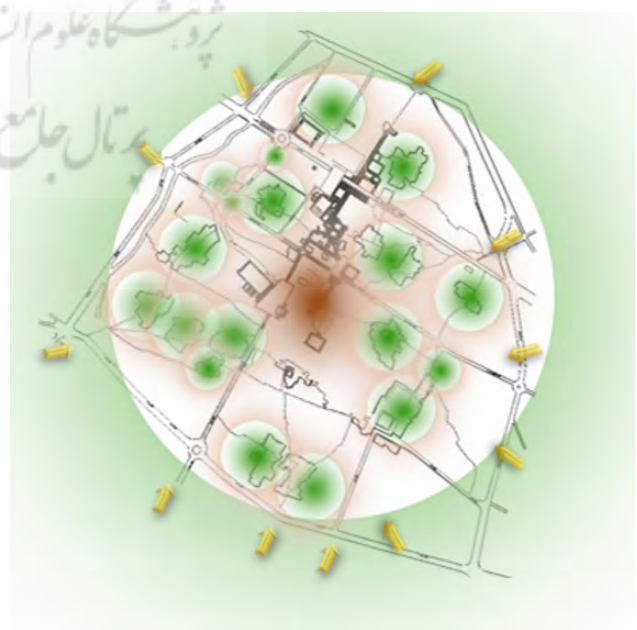
عبدالله مستوفی در بیان خاطراتش با بیانی نوستالژیک

منظر انسان‌ساخت آنچه «مردمان ساخته‌اند» (همان)، شامل شهر شیراز، محلات آن، اعیان هر محله، بقاع، بساطین و ... است. بر ساخت اجتماعی شهر بر پایه محلات با «قلمروهای ادراکی» و بازتولید منظر بخش اعظم این رساله را شکل داده است. توصیف نگارنده از محلات شیراز حاکی از اهمیت جایگاه اجتماع در بر ساخت شهر و بازتولید منظر است، چنانچه بخش اعظم این رساله مربوط به گزارشی از سیستم تقسیم‌بندی شهر شیراز بر پایه محلات اجتماعی است، نگارنده محلات را با مرزی نسبتاً نامشخص و تقریبی، عنوان نموده و سپس به تشریح افراد معتمد و صاحب‌نفوذان اجتماعی می‌پردازد و طایفه‌ای که بنا به نسبت‌های فامیلی در محله ساکن هستند و یا اینکه اعتقادات یکسانی دارند، را معرفی می‌کند. به‌عنوان مثال در معرفی اعضای محله، اگر شخصی به‌واسطه ازدواج در محله سنگ سیاه سکونت دارد، آن شخص را ذیل محله آبا و اجدادیش عنوان می‌کند؛ که حاکی از اهمیت جایگاه اجتماعی افراد در رابطه با شهر است. محلات چنانچه در توصیفات آمده مرز فرهنگی دارند. یعنی هر فرد در هر محله‌ای (عینیت) با ساختاری ذهنی برگرفته از مذهب و یا پیشه و ... در یک محله ساکن می‌یافت و محله‌ها به‌مثابه خرده‌فرهنگ‌ها تقسیم‌بندی شهر را صورت می‌دادند. چنانچه در طول تاریخ از مستندات راجع به شهر شیراز آمده تقسیم‌بندی محلات کاملاً اجتماعی و براساس نسبت‌های قومی-قبیله‌ای، اعتقادی و یا پیشه‌ای است. به‌عنوان مثال ابن حوقل در مورد بلاد فارس تقسیم‌بندی و اسکان مردم را به نسبت طایفه‌ها (کرد،

فارس، اصفهانی و...) می‌داند و محل هر طایفه و گروه و چگونگی اسکانشان در هر منطقه را توضیح می‌دهد. در فارسنامه ناصری به‌عنوان مثال نویسنده می‌گوید: «گرچه خانه [حاجی محمد حسین صراف] در اواخر محله بازار مرغ افتاده است ولیکن به سبب قرب جوار و شغل صرافی و خویشاوندی با حاجی میرزا کریک صراف در ذیل محله اسحق بیگ نگاشته شده‌است». (حسینی فسایی، ۱۳۷۸، ۹۱۹) یا «طایفه بیات که در یک گذر در محله اسحاق بیگ افتاده است و به محله بیات‌ها شهرت یافته و اهل این محل جز به زبان ترکی تکلم نکنند... حرفت‌های شهرستانی را ننگ خود شمارند و شغل عمومی آن‌ها، اسب ایرانی خریدن و به هندوستان بردن و فروختن است...» (همان) و در توصیف محلات، مرز محله با محلات دیگر، شماره خانه‌ها، جمعیت محله، کدخدای محله، اعیان محله، عادات مردم، پیشه و شغل اکثریت، طوایف ساکن در هر محله و در مرحله آخر اشاره‌ای مختصر به برخی از دانه‌های عملکردی محله نظیر بقاع، مدرسه و ... می‌کند (تصویر ۵) در نتیجه در استمرار بازتولید فضاهای ذهنی در مقیاس میانی در شهر سنتی، ساختاری اجتماعی تحت عنوان محله با نشانه‌ها و مناسبات اجتماعی خود شکل می‌گیرد و هر محله شامل مجموعه‌ای از نشانه‌هایی است که ساکنین به مرور زمان بازتولید کرده‌اند، به‌عنوان مثال محله اسحاق بیگ به‌عنوان کلی کوچک از بافت اجتماعی شهر در مقیاس کلان خود از کل‌های کوچکی تشکیل شده بود که حکایت از مناسبات محلی می‌کرد. تقسیمات محلی شهر تا اندازه‌ای بود که در شکل‌گیری بلدیة شیراز



تصویر ۴. محلات و دروازه‌های شیراز در دوران زندیه. مأخذ: نگارندگان.

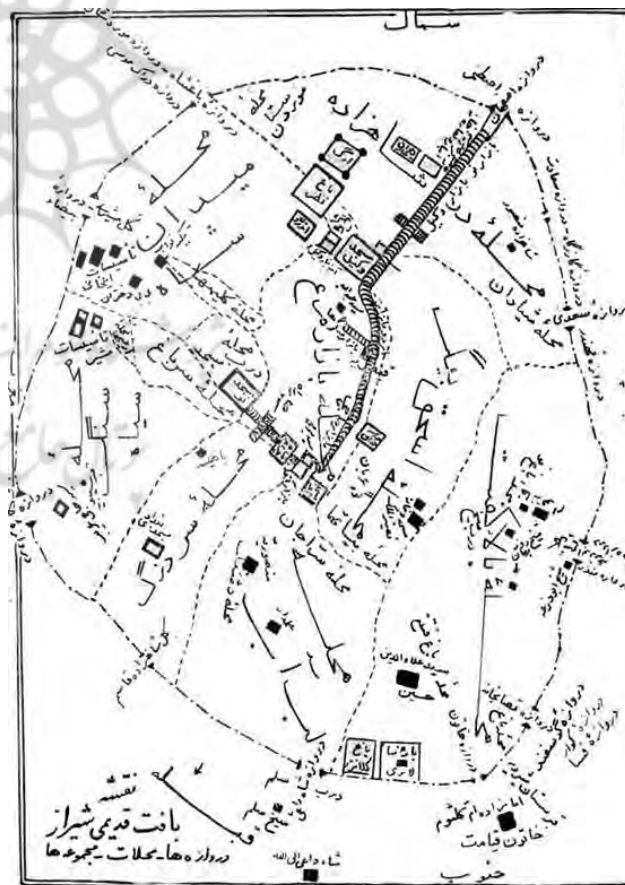


تصویر ۳. محلات و دروازه‌های شیراز در دوران صفویه. مأخذ: نگارندگان.

می‌شود. در نتیجه در گام نخست در انتخاب مناصب پر نفوذ، با حذف نظر نمایندگان مردم، رئیس بلدیه تحت فرمان حاکم شهر به این مقام منصوب می‌شود. اعمال نفوذ سیاسی در انتخاب مناصب حکومتی از یک طرف و اعمال نفوذ کامل دستگاه حکومتی از مقیاس کلان تا کوچکترین مقیاس، جایگاه اجتماع را در تولید فضاهای شهری کمرنگ می‌نماید اما کماکان حوزه اقدامات شهری به صورت اجتماعی و در فضاهای انضمامی صورت می‌گیرد و قلمروهای اجتماعی به حیات خود ادامه می‌دهند، کما اینکه قلمروهای اجتماعی بر انتخاب ذی‌نفوذان به عنوان نمایندگان مردم مؤثر هستند.

در مجموعه راپورت‌های نظمیة شیراز در فاصله سال‌های جنگ جهانی اول (اواخر قاجار) که اوضاع ایران نابسامان است، شش کمیسری (پلیس مخفی) در شهرها به والی گزارشی از رویدادهای در حال وقوع در شهر می‌دهند. یکی از کمیسری‌ها گزارش مربوط به بازار را می‌دهد، یکی گزارش مربوط به خارج از حصار شهر، دیگر کمیسری‌ها هر کدام گزارش مربوط به چند محله را ثبت و ضبط می‌کنند (تصویر ۷) و با چنان ظرافتی بافت شهری را در هم تنیده با خوانش اجتماعی شهر توصیف می‌کنند که می‌توان شیراز دوران قاجار را تصور کرد. این گزارش‌ها حاوی تمام رویدادهای مهم اعم از اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از شهر است که توسط ساکنین و بومیان از شهر شیراز انجام شده است. به عنوان مثال کمیسری نمره چهار که مسئولیت گزارش از محله‌های بالا کفد، لب آب، اسحاق‌بیک و سردزک را دارد، در گزارشات خود تصور از شهر، را در قالب قلمروهای اجتماعی به نام محله در ارتباط با نشانه‌های محلی منتج از رویدادها مبتنی بر نظم حسی اجتماعی ساکنین، ناخودآگاه به تصویر می‌کشد. به عنوان مثال: «محله بالا کفد درب شیخ، شب روضه‌خوانی است... محله بالا کفد، گذر چاه میرزا فتح‌الله شب روضه‌خوانی است... محله لب آب، خانه میرزا محمد و مسجد آتشی‌ها شب روضه‌خوانی است... میرزا ابوالقاسم‌خان با چند نفر از اقوام خود در باغ کلانتری چای‌خوری داشته‌اند...» (اتحادیه، پیرا و روحی، ۱۳۹۳). طبق گزارشات باغ کلانتری، باغی نسبتاً عمومی است که هر کس می‌تواند میزبان مهمانان خود باشد. «محله لب آب در باغ کلانتری اسدالله نام با زن و بچه خودش بوده‌اند... چند نفر از سوارهای حضرت اقدس در باغ کلانتری مهمان بوده‌اند... طرف صبح در حضرت سیدعلالدین حسین روضه‌خوانی بوده است... محله لب آب گذر مشهدی علی عطار شب روضه‌خوانی بوده است...» یا کمیسری نمره یک که احوالات خارج حصار شهر را گزارش می‌دهد:

در دوران قاجار، در هفتم محرم ۱۳۳۷ ه. ق. (نهم مهرماه ۱۲۹۸) از هر محله به عنوان هسته اجتماعی شهر، سه نماینده منتخب به عنوان وکلای بلدیه و عامل ارتباط محلات با بلدیه معرفی شد و اعمال نفوذ در سیستم بلدیه به واسطه نمایندگان مردم محله بود (تصویر ۶). بدو تولد بلدیه بنا به دلایل متعددی از جمله اغتشاش در وضعیت حکومت، کمبود بودجه، عدم آشنایی با نهاد توسعه شهری و همان‌طور که عنوان شد شکل‌گیری آن به صورت برون‌زا؛ بلدیه را تا سطح نام تنزل داد و حوزه اقدام بلدیه تنها معطوف به نظیف شهر شد. از طرفی مناصب حکومتی از جمله ریاست اداره بلدیه از اعتبار بالایی برخوردار بود، به طوری که گرفتن این مناصب در رقابتی بزرگ به قیمت حذف نظرات با واسطه ساکنین در انتخاب ریاست بلدیه می‌گشت. از همان ابتدای شکل‌گیری نصیرالملک والی شیراز در نامه‌ای خطاب به مسئول شمارش آرا و وکلای بلدیه، پیشنهاد می‌کند که مشیرالملک بهترین گزینه جهت ریاست اداره بلدیه است. به عبارتی گرفتن منصب سیاسی بالاتر از حقوق اجتماعی مردم تلقی



تصویر ۵. نقشه شیراز در زمان قاجار. بازنمایی منظرشهری در مقیاس میانی با توجه به قلمروهای اجتماعی تحت عنوان محلات و شکل‌گیری فضاهای ذهنی مبتنی بر قلمروها. مأخذ: افسر، ۱۳۵۳.

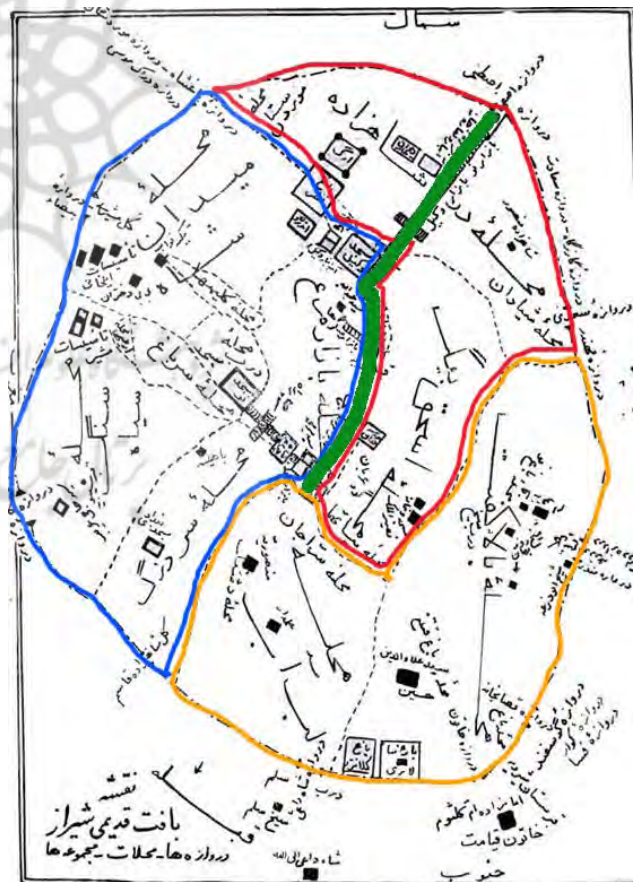
نشانه‌های محلی شده و خود مولد فضایی اجتماعی در محله بود. به‌عنوان مثال زیر درخت سید عیسی دم دروازه شاه داعی یا درخت چه کنم؟ سرو خان بابا خان، نشانه‌هایی پویا و مبتنی بر زمینه که تبدیل به قرارگاهی رفتاری می‌شد، مثلاً پاتوق جوان‌ها، محل جمع شدن زنان محله و ... همزمان به‌عنوان نشانه‌ای در شهر، مولد فضایی اجتماعی نیز بود. در نتیجه آب روان و درختان موجود در جوار مسجد نو برای یک سیاح منظره‌ای خوش بوده است که شروع به توصیف عناصر کالبدی فضا می‌کند؛ اما برای یک ساکن شیرازی حاکی از مناسبات اجتماعی است که در تجارب روزمره خود عادت‌واره‌ای مبتنی بر الگوهای رفتاری خود و دیگر ساکنین بازتولید کرده و منظر را تجربه کرده است.

در اینگونه نظام تولید فضا، مجموعه‌ای از نشانه‌ها در کنار تقسیمات اجتماعی و حس تعلقات اجتماعی به محله قلمروهایی، فارغ از نقشه‌های علمی به‌صورت ذهنی وابسته به مناسبات اجتماعی را بازتولید می‌کند. حتی ادراک شهر در ارتباط با ساختارهایی که به‌مرور زمان (فرایندگرا) توسط مردم بر ساخت شده است ارتباط مستقیم با ادراک

و تجربه شهروندان از شهر دارد. به‌عنوان مثال در مقیاس میانی شیراز به‌واسطه گودهایی (توپوگرافی) نشانه‌گذاری می‌شده که کماکان بخش‌هایی از شهر با همین نام‌ها خوانده می‌شوند و منجر به ادراک و ساخت قلمروها برای شهروند می‌شدند مانند گود عربان، گود خزینه و ... این گودها در اثر خاکبرداری و ساخت منازل در کنار برخی محلات یا در نزدیکی خندق شهر شکل می‌گرفتند و قشر کم درآمد در این گودها ساکن می‌شدند. چه بسا که بسیاری از این نشانه‌ها از بین رفته‌اند ولی ساکنین شهر کماکان فضا را با این نشانه‌ها می‌شناسند، به‌عنوان مثال گود عربان در شیراز. این نشانه حاکی از بافتاری اجتماعی در محله اسحاق بیگ شیراز است که با ساخت‌وسازهای شهری همان محله گودی در شهر ایجاد شده و ساکنین کم‌بضاعت در این منقطه ساکن شده بودند، بدین صورت کنش‌ها و ساختارها منجر به تولید نشانه‌ها و ساخت قلمروهایی اجتماعی می‌شدند که ساکن شهر خود را متعلق به بخشی از شهر می‌دانست.

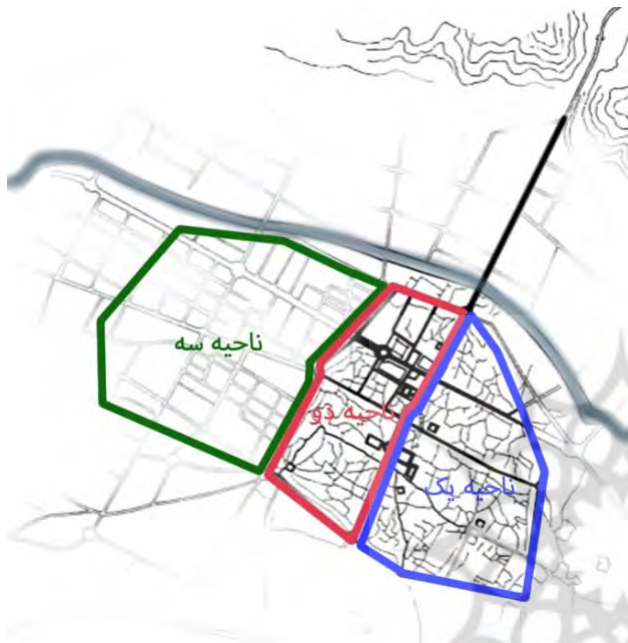
کمرنگ‌شدن مفهوم محله در شیراز پس از مدرنیزاسیون رضاشاهی

در دوران پهلوی اول با شکل‌گیری حکومت شبه‌مدرن، تمایل به اداره حکومت به‌صورت مرکزی به‌منظور تثبیت قدرت، بر پایه ارتش قدرتمند و بوروکراسی و تأسیس و قدرت‌گرفتن نهادهایی نظیر بلدیه در حوزه مدیریت شهری منجر به اقدامات حکومت‌محور در شهرها و قدرت‌گرفتن بلدیه البته نه با رویکردی اجتماع‌محور بلکه با رویکردی اقتدارگرایانه در سطح ملی شد. شکل‌گیری معابر مستقیم‌الخط در طول بافت قدیم به‌صورت عمود بر هم با عبور از میان بافت منسجم محلات و حرکت در میان کوچه‌ها و طاق و گذرهای قدیمی با عرض کم با هندسه ارگانیک و ساخت میادین هندسی در محل برخورد معابر، جانمایی مغازه‌ها و دکان‌ها در لبه معابر و ایجاد نظام خطی اقتدارگرایانه در خیابان و ساختار هندسی میادین شهری و... از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری این دوره است که بر سازمان فضایی و منظر شهر تاثیر بسزایی داشت و با بی‌توجهی به خودگردانی اجتماعی محلات و هویت‌های مشترک ساکنین، مفهوم اجتماعی محله کمرنگ شد. طبق راپورت‌های بلدیه، شیراز به سه ناحیه به‌منظور تقسیمات شهری و اقدامات شهری تقسیم می‌شود، یک ناحیه مربوط به شهر جدید و دو ناحیه مربوط به شهر قدیم که هیچ ارتباطی با الگوی محلات اجتماعی ندارد (تصویر ۸).



تصویر ۷. تقسیم‌بندی سیاسی شهر مبتنی بر قلمروهای اجتماعی محلات، جهت گزارش یومیّه احوال شهر توسط کمیسری ها. مأخذ: ترسیم نگارندگان براساس نقشه افسر، ۱۳۵۳.

مهندس یا متخصص. در نتیجه در شیراز سنتی تا اواخر دوره قاجار، ساکن شهر فضاهای شهری را در قلمروهای اجتماعی به نام محله، تولید، تجربه و ادراک می‌کند، اما با مدرنیزاسیون رضاشاهی و شکل‌گیری شیراز معاصر بر ساختار شیراز سنتی، خودگردانی اجتماعی محله جای خود را به خودگردانی حکومتی مبتنی بر تقسیمات کالبدی-تخصصی ناحیه و منطقه داد.



تصویر ۸. تقسیم سیاسی شیراز به سه ناحیه توسط اداره بلدیة بدون توجه به تقسیمات اجتماعی محلات و مبتنی بر خیابان‌ها و عناصر کالبدی. مأخذ: ترسیم نگارندگان.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی شهر شیراز در بستر تاریخی با تأکید بر خوانش شهروندان از شهر با رویکردی پدیدارشناسانه به نظر می‌رسد شهر سنتی شیراز و بافت شهری بر مبنای قوانین طبیعی و عرفی به واسطه کل‌های کوچکی تحت عنوان محله است که توسط اجتماع بر ساخت شده است. در مقیاس کلان مرز اجتماعی میان محلات و حس تعلق به یک محله و شناخت فضای ذهنی محلات دیگر، قلمروهای هر محله به عنوان یک کل کوچک را شکل می‌دهد. فضای شهری و پهنه‌های شهری به مرور زمان و در فضاهای انضمامی توسط ساکنین شهر تولید و مصرف می‌شود. سوژه و ابژه به‌طور همزمان در شهر در مقیاس خرد و میانی منظر را در فرایندی مبتنی بر مناسبات اجتماعی و طبیعی بر ساخت می‌کنند. تولید و مصرف فضا در مقیاس خرد وابسته به کنش‌هایی است که در زندگی روزمره جریان دارد. کنش‌ها، منش فضا را بر پایه مناسبات فرهنگی/اجتماعی و الگوهای رفتاری مبتنی بر نیازهای روزمره تولید می‌کنند. نکته حائز اهمیت در تفاوت توجه ساکنین از شهر و متخصصین و مدیران در توسعه شهری و انتقال به شیراز معاصر بعد فرهنگی مبتنی بر مناسبات اجتماعی تجربه فضا است. فضایی که ساکنان بازنمایی می‌کند وابسته به تجارب اجتماعی-فرهنگی در مکان است و فضایی که متخصصین و مدیران بازنمایی می‌کنند وابسته به توجهات کالبدی-بصری در قالب نقشه‌های دوبعدی است. پس ادراک ساکنین شهر در رابطه با قلمروهای اجتماعی ایجاد شده است و نه بر اساس خطوط ریاضی‌وار و منطقی یک

پی‌نوشت‌ها

۱. براساس پژوهش نجارنجفی و لطیفیان اصفهانی، ۱۳۹۲.
۲. بنگرید به: ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۳۶-۶۷.
۳. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: اسماعیل‌دخت، منصوری و شیبانی، ۱۴۰۰.

فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۶). *تاریخ ایران مدرن* (ترجمه محمدابراهیم فتاحی). تهران: نشر نی.
 - ابن حوقل. (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل-ایران در «صورة الارض»*. ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - اتحادیه، منصوره؛ پیرا، سعاد و روحی، حمید. (۱۳۹۳). *زیرپوست شهر: راپورتهای نظمیه پلیس مخفی شیراز*. تهران: تاریخ ایران.
 - اسماعیل‌دخت، مریم؛ منصوره، سیدامیر و شیبانی، مهدی. (۱۴۰۰). *قیاس تطبیقی خوانش شهروندان از شهر (منظرشهری) با طرح‌های توسعه*
- شهری، بررسی انتقال منظرشهر سنتی به معاصر شیراز. *باغ نظر*، ۱۸(۹۶)، ۴۵-۵۸.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۳). *ویژگی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی*. نامه علوم انسانی، ۱(۴)، ۷-۴۹.
 - افسر، کرامت‌الله. (۱۳۵۳). *تاریخ بافت قدیمی شیراز*. تهران: مؤسسه انتشارات انجمن آثار ملی.
 - ایمانی‌جاجرمی و همکاران. (۱۳۹۲). *مدیریت شهری: مدیریت شهری در ایران*. (ج. ۲). تهران: انتشارات تیسرا.

- حسینی فسایی، میرزا حسن. (۱۳۷۸). *فارسانامه ناصری* (تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سلطانزاده، حسین. (۱۳۶۷). *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فاضلی، نعمت‌الله و سلیمانی قره‌گل، هادی. (۱۳۹۱). نقش روشنفکران اواخر دوره قاجار در شکل‌گیری نخستین دولت ملی در ایران. *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۴(۲)، ۱-۴۶.
- کسروی، احمد. (۱۳۴۰). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۸). *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه: از آقامحمدخان تا آخر ناصرالدین شاه)*. تهران: انتشارات زوار.
- نجارنجفی، الناز و لطیفیان اصفهانی، طناز. (۱۳۹۲). ارتباط ساختار شهر تاریخی شیراز با شبکه آب، مطالعه موردی: نهر قنات خیرات در سده‌های هفتم تا چهاردهم. *صفه*، ۶۰(۱)، ۱۰۵-۱۱۸.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

اسماعیل دخت، مریم و اسماعیل دخت، محمدرضا. (۱۴۰۰). پدیدارشناسی مفهوم محله با تأکید بر محلات شهر شیراز در دوران قاجار. *گردشگری فرهنگ*، ۲(۷)، ۳۳-۴۲.

DOI: 10.22034/TOC.2022.323845.1069

URL: http://www.toc-sj.com/article_143520.html

